

حضرت خدیجه علیها السلام از منظر رسول اعظم صلی الله علیه و آله

محمد حسین فکور*

در این نوشتار، ضمن بررسی زندگی بانوی بزرگ اسلام و أم المؤمنین، حضرت خدیجه علیها السلام، به موضوع جایگاه و منزلت آن حضرت علیها السلام از دیدگاه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می پردازیم.

نگاهی به زندگی فردی خدیجه علیها السلام

حضرت خدیجه، دختر «خویلد بن آسد»^۱ از زنان بافضیلت اسلام است. نام مادر او، «فاطمه دختر زائد»، از تیره و قبیله «عامر بن لوی»^۲ است.

خدیجه ۶۸ سال پیش از هجرت و به عبارت دیگر، ۱۵ سال قبل از «عام الفیل» در شهر مکه به دنیا آمد و در دوران جوانی به سبب تجارت، از جمله ثروتمندترین افراد قریش شد.^۳ او

* پژوهشگر حوزه علمیه.

۱. ابن حزم، *جمهرة انساب العرب*، ص ۱۲۰.

۲. بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۲، ص ۲۳.

۳. ابن حزم، *جمهرة انساب العرب*، ص ۱۲۱.

پاکدامن بود و تباهی‌های دوران جاهلیت نتوانسته بود دامان حضرتش را فرا گیرد. از این رو، در میان قوم و قبیله خود، جایگاهی والا پیدا کرد و به «طاهره» شهرت یافت.^۱ خدیجه بنا بر نظر مشهور، در چهلمین سال عمر خود با پیامبر ﷺ ازدواج کرد؛ در حالی که پیامبر هنوز مبعوث نشده و ۲۵ ساله بود. مقام این بانو نزد پیامبر آن چنان والاست که پیامبر ﷺ تا زمانی که خدیجه زنده بود، با زنی ازدواج نکرد.

مقام خدیجه رضی الله عنها در پیشگاه الهی

با بررسی مختصری در روایات می‌بینیم که خدای متعال سه بار به وسیله جبرئیل برای حضرت خدیجه رضی الله عنها سلام ویژه فرستاده است. دقت در این مطلب بسیار مهم، این نکات را روشن می‌کند که: اولاً، سلام‌رسان و دریافت‌کننده سلام، باید نوعی سنخیت معنوی با یکدیگر داشته باشند. دریافت‌کننده باید به درجه‌ای از قرب رسیده باشد تا مورد لطف سلام‌رسان واقع گردد. ثانیاً، دریافت‌کننده سلام خدای هستی، باید از سایر مردم برتر باشد؛ و گرنه خداوند به دیگران نیز سلام می‌فرستاد. توجه به این دو نکته، راز عظمت حضرت خدیجه رضی الله عنها را آشکار می‌سازد.

اکنون به اختصار مواردی را که خداوند متعال برای حضرت خدیجه رضی الله عنها سلام فرستاده، یادآور می‌شویم:

۱. پیامبر در بازگشت از معراج، به جبرئیل فرمود: «آیا سفارش و پیامی داری؟ و جبرئیل گفت: پیام تازه این است که درود و سلام خدا و فرشته فرمان‌برش جبرئیل را به خدیجه برسان.»^۲

۲. در سال ششم بعثت؛ پس از آنکه آیه «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ»^۳ نازل شد. پیامبر صلی الله علیه و آله بالای کوه صفا رفت و مردم را به توحید دعوت کرد. مشرکان این بار نیز پیامبر را

۱. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۱۹۹.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۷.

۳. حجر، آیه ۹۴: «پس، آنچه را بدان فرمان داده می‌شوی، آشکار کن (دعوت را علنی ساز) و از مشرکان

دوری کن.»

مجلس دهم: حضرت خدیجه علیها السلام از منظر رسول اعظم صلی الله علیه و آله ■ ۱۳۱

سنگ باران کردند. سنگی بر پیشانی حضرت خورد و خون جاری شد. پیامبر صلی الله علیه و آله به کنار تخته سنگی پناه برد. حضرت علی علیه السلام به سرعت به خانه خدیجه علیها السلام رفت و ایشان را از این اتفاق آگاه کرد. حضرت خدیجه سراسیمه به سوی کوه صفا آمد و در راه می گفت: «مَنْ أَحْسَ لِي النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى؟ مَنْ أَحْسَ لِي الرَّبِّيعِ الْمُرْتَضَى؟ مَنْ أَحْسَ لِي الْمَطْرُودِ فِي اللَّهِ؟ مَنْ أَحْسَ لِي أَبِي الْقَاسِمِ...؟! چه کسی مرا از حال پیامبر برگزیده آگاه می کند و... از سلامتی اش برایم خبر می آورد؟...». هنوز خدیجه علیها السلام در راه بود که جبرئیل نازل شد و خدیجه را که در دامنه کوه صفا بود، نشان داد و گفت: آن بانوی توست که از گریه اش فرشتگان به گریه آمده اند. او را به سوی خود بخوان و سلام مرا به او برسان و به او مژده بده که خدا به او سلام رسانده و در بهشت، کاخی باشکوه و بلورین و آراسته به زیور که ماندگار است و در آن هیچ رنجی راه ندارد، برایش آماده ساخته است.

۳. در روایتی دیگر که علامه مجلسی نقل کرده، پیامبر فرموده: جبرئیل نزد من آمد و گفت: خدیجه در راه است. هنگامی که نزد تو آمد، سلام خدا را به او برسان و بگو خدا در بهشت قصری بلورین برایت آماده کرده است: «فَاقْرَأْ عَلَيْهَا السَّلَامَ مِنْ رَبِّهَا وَمِنِّي وَبَشِّرْهَا بِبَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ لَّا صَخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبٍ»^۱ پس به او سلام پروردگار و من را برسان و به او بشارت بده که در بهشت، قصری دارد که هیچ گونه رخنه و خلل و سستی در آن نیست.»

اولین زن مسلمان

یکی از فضایل خدیجه علیها السلام، پیشی گرفتن در ایمان آوردن به اسلام است. وقتی همه مردم پیامبر صلی الله علیه و آله را تنها گذاشتند و حتی حضرت را تکذیب کرده، برخی نیز کمر به قتل او بستند، خدیجه به پیامبر ایمان آورد و تا پای جان در راه رسول خدا ایستاد. پیامبر نیز همیشه از او یاد می کرد و می فرمود: «أَيْنَ مِثْلُ خَدِيجَةَ؟ هَمَانِدْ خَدِيجَةَ كَجَاسْت؟» روزی، هاله، خواهر خدیجه، در شهر مدینه به زیارت پیامبر آمد. وقتی پیامبر او را دید، متأثر شد. زمانی که هاله رفت، عایشه گفت: چقدر از این پیرزن قریش که سالخورده گی، صورت او را چروک کرده

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۸.

۲. همان، ص ۷.

بود، یاد می‌کنی؛ با اینکه روزگار او را برده و خداوند همسر بهتری به شما بخشیده است! حضرت فرمود: «صَدَقْتَنِي إِذْ كَذَّبْتُمْ وَأَمَتْتَنِي إِذْ كَفَرْتُمْ وَوَلَدْتَنِي لِي إِذْ عَقِمْتُمْ»^۱ وقتی مرا تکذیب کردید، او مرا تصدیق کرد و به من ایمان آورد، وقتی شما کفر ورزیدید و خدا نسل مرا از او قرار داد، هنگامی که شما عقیم هستید.»

عبدالله بن مسعود در نمونه‌ای از مشاهدات خودش در خصوص ایمان خدیجه می‌گوید: «روزی با عموها و تعدادی از اعضای قبیله‌ام به مکه آمدیم تا عطر بخریم. عباس بن عبدالمطلب عطر می‌فروخت. نزد او رفتیم. عباس در کنار چاه زمزم نزدیک کعبه نشسته بود. در این هنگام، مردی که لباس سفید بر تن داشت و موهایش بلند بود و دندان سفید داشت و صورتش مثل ماه بود، از باب صفا وارد شد. طرف راست او، نوجوانی راه می‌رفت و پشت سرش بانویی با لباس پوشیده. آنها کنار حجرالأسود رفتند. ابتدا آن مرد به حَجَر دست کشید و سپس آن نوجوان و بعد هم آن بانو. آن‌گاه طواف کردند و کنار حجر اسماعیل آمدند و نماز خواندند... من که چنین چیزی ندیده بودم، از عباس پرسیدم: آیا دین جدیدی در شهر مکه آمده؟ اینان کیان‌اند؟ عباس گفت: آن مرد، برادرزاده من است. آن نوجوان هم برادرزاده دیگر من است و آن زن خدیجه همسر اوست. او می‌گوید که دین تازه‌ای آورده است اما به خدا قسم! غیر از این سه نفر، در روی زمین کسی این آیین را قبول ندارد.»^۲

بوترین زنان

اگر اندکی در تاریخ به کنکاش و بررسی در زندگی این بانو بپردازیم، به آسانی درمی‌یابیم که او، هم در دوران جاهلیت و هم در دوران اسلام، دارای کمالات و فضایل اخلاقی فوق‌العاده‌ای بوده است. سخاوت و ایثار، عفت و پاکدامنی، دوراندیشی و درایت، از جمله فضایل پسندیده او بود. خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ به واسطه همین صفات برتر و ویژه توانست لیاقت همسری رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را پیدا کند؛ تا آنجا که پیامبر او را از جمله برترین زنان بهشت دانست و فرمود: «أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَمَرْيَمُ

۱. همان، ص ۸.

۲. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۲۵.

مجلس دهم: حضرت خدیجه علیها السلام از منظر رسول اعظم صلی الله علیه و آله ■ ۱۳۳

بُنْتُ عِمْرَانَ، وَأَسِيَّةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ امْرَأَةٌ فِرْعَوْنُ؛^۱ برترین زنان بهشت، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد و مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم، همسر فرعون است.»
همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله در وصف خدیجه و بزرگی و سروری او بر زنان دنیا فرموده است: «خَيْرُ نِسَائِهَا خَدِيجَةٌ وَخَيْرُ نِسَائِهَا مَرِيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ؛^۲ بهترین زنان جهان، خدیجه و مریم دختر عمران هستند.»

ارزش‌مداری

خدیجه علیها السلام نسبت به شوهرش نگاهی ارزشی داشت. او کمالات و خوبی‌ها را می‌شناخت و آنها را در وجود پیامبر یافته بود. بنابراین، نه تنها تمام ثروت مادی خود را به پای شوی مهربانش ریخت، بلکه در راه او قالب‌ها و سنت‌های جاهلی را درهم شکست و به گفته مردم که می‌گفتند: محمد صلی الله علیه و آله یتیمی بیش نیست، توجه نکرد.
او هنگام ابرار تمایل برای ازدواج با پیامبر، چنین گفت: «يَا بَنَ عَمِّ اِنِّي رَغِبْتُ فِيكَ لِقَرَابَتِكَ وَسَلَعْتُكَ فِي قَوْمِكَ وَاَمَانَتِكَ وَحُسْنِ خُلُقِكَ وَصِدْقِ حَدِيثِكَ؛^۳ ای پسر عمو، من به جهت خویشاوندی، شرافت تو بین مردم، امانت‌داری، خوش‌خلقی و راستگویی‌ات، به تو تمایل پیدا کردم.»

احترام به پیامبر صلی الله علیه و آله

یکی از ویژگی‌های خدیجه، احترام به رسول اعظم صلی الله علیه و آله بود؛ همان‌طور که پیامبر اسلام نیز به خدیجه احترام می‌گذاشت. خدیجه، گرچه در حجاز موقعیت ویژه و ممتازی داشت، اما در برخورد با پیامبر، احترام فراوانی به حضرت می‌گذاشت و کوچک‌ترین رفتاری که نشانه برتری باشد، از خود نشان نمی‌داد. وقتی مراسم عقد ایشان با پیامبر پایان یافت و رسول خدا خواست به خانه ابوطالب باز گردد، خدیجه گفت: «إِلَيَّ بَيْتِكَ فَبَيْتِي بَيْتُكَ وَأَنَا

۱. بخاری، صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۷۸.

۲. همان، ص ۱۶۴.

۳. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۲۰۱.

جَارِيْتُكَ؛^۱ به خانه خودتان وارد شوید. خانه من، خانه شماست و من، کنیز شما هستم.» پیامبر همین احترام را برای خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ قایل بود. عایشه گزارش می‌کند: پیامبر، نه تنها به یاد و نام خدیجه و فداکاری‌های او بها می‌داد، بلکه به احترام او، به هرکس و هرچیزی که یاد خدیجه را به همراه داشت، احترام می‌گذاشت.

گفتمی است که نه فقط پیامبر به شخص خدیجه احترام می‌گذاشت، بلکه به جهت ایشان، به دوستان و همسایگان خدیجه نیز احترام می‌گذاشت. در کتاب‌های احادیث آمده است: هرگاه پیامبر گوسفندی قربانی می‌کرد، ابتدا سهمی برای دوستان و آشنایان خدیجه کنار می‌گذاشت.^۲ خدیجه، همسایه‌ای داشت که در زمان حیاتش به امور او رسیدگی می‌کرد و سفارش این همسایه را به پیامبر کرده بود. پیامبر هرگاه غذای خوبی در خانه فراهم می‌شد، برای او می‌فرستاد.^۳

آسایش پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

خدیجه در دوران بعثت و حتی پیش از آن، در راه پیامبر دچار سختی‌های فراوان گشت؛ اما کوچک‌ترین ناراحتی از خود نشان نمی‌داد. همیشه مشفقانه مانند پروانه‌ای عاشق، گرد پیامبر می‌گشت؛ زیرا آنچه برای خدیجه مهم بود، آسایش پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود. از این رو، سعی می‌کرد که همه سختی‌ها را تحمل نماید تا پیامبر در آسایش باشد.

علامه مجلسی رَحِمَهُ اللهُ تَعَالَى نقل کرده: روزی در سال‌های آغازین بعثت، پیامبر از غار حرا با سیمایی محزون به خانه آمد. خدیجه گفت: چه شده؟ پیامبر فرمود: علی، از من جدا شده و نمی‌دانم کجاست! می‌ترسم مشرکان به او آزاری برسانند! خدیجه گفت: اکنون خودم سوار شتر می‌شوم و او را پیدا می‌کنم و یا آنکه مرگ بین من و علی، فاصله خواهد انداخت. خدیجه از خانه درآمد و به جست‌وجو پرداخت تا آنکه از دور نوجوانی را دید. احساس کرد که علی عَلَيْهِ السَّلَامُ است. بر او سلام کرد و صدایش را شناخت. خدیجه به سرعت به خانه بازگشت و

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۴.

۲. ذبیح‌الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۶.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۴۳۸.

مجلس دهم: حضرت خدیجه علیها السلام از منظر رسول اعظم صلی الله علیه و آله ■ ۱۳۵

خبر سلامتی علی علیه السلام را به پیامبر داد. پیامبر چنان خوشحال شد که ۲۱ بار گفت: «شُكْرًا لِلْمُجِيبِ؛^۱ خدای اجابت کننده را شکرگزارم.»

خدیجه در همه احوال، از پیامبر دفاع می کرد و خود را سپر بلای حضرت قرار می داد. این امر، سبب آرامش حضرت می شد. یک بار مشرکان پیامبر را سنگ باران و زخمی کردند. حضرت به سوی خانه به راه افتاد. مشرکان به دنبال پیامبر آمدند و حتی خانه را سنگ باران کردند. خدیجه از خانه بیرون آمد و گفت: آیا از سنگ زدن به خانه زنی که نجیب ترین زنان قوم و قبیله خود است، شرم ندارید؟ مشرکان شرمند شدند و بازگشتند. خدیجه به خانه برگشت و به بستن و مداوای زخم های پیامبر مشغول شد. در این واقعه بود که جبرئیل سلامی ویژه از سوی خدا برای حضرت خدیجه آورد. خدیجه در برابر این سلام گفت: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَمِنْهُ السَّلَامُ وَعَلَى جَبْرَائِيلَ السَّلَامُ وَعَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ وَبَرَكَاتِهِ؛^۲ همانا خداوند خود، سلام است و سلام از اوست و بر جبرئیل و بر شما ای رسول خدا، سلام و برکات خدا باد.»

حفظ یاد و خاطره خدیجه علیها السلام

احترام رسول خدا به خدیجه، اختصاص به زمان حیات وی نداشت؛ بلکه پس از رحلت آن بانوی گرامی، باز یاد و خاطره ایشان را زنده می داشت. از این رو، همیشه از خدیجه به خوبی یاد می کرد. پیامبر پس از سالیانی که از رحلت حضرت خدیجه علیها السلام گذشته بود، همچنان با مهربانی و محبت و تأثر زیاد از او یاد می نمود و اگر کسانی به خدیجه حسادت می ورزیدند، با آنها برخورد می کرد. از این رو، برای آنکه دیگران بدانند خداوند متعال حضرت خدیجه علیها السلام را برگزیده است، به عایشه فرمود: «أَوْ مَا عَلِمْتِ أَنَّ اللَّهَ إِصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَحَمَزَةَ وَجَعْفَرَ وَفَاطِمَةَ وَخَدِيجَةَ عَلِيَّ الْعَالَمِينَ؛^۳ آیا نمی دانی که خداوند آدم، نوح، دودمان ابراهیم، خاندان عمران، علی، حسن، حسین، حمزه، جعفر، خدیجه و فاطمه را بر همه جهانیان برتری داده و برگزیده است؟»

۱. همان، ج ۴۰، ص ۶۶.

۲. ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۴، ص ۱۱۱.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۵۳.

همچنین پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای تبیین مقام و جایگاه خدیجه فرمود: «اشْتَاقَتِ الْجَنَّةُ إِلَيَّ أَرْبَعٍ مِنَ النِّسَاءِ: مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ وَأَسِيَةَ بِنْتِ مِرْحَمٍ زَوْجَةَ فِرْعَوْنَ وَهَيْبَةَ زَوْجَةَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْجَنَّةِ وَخَدِيجَةَ بِنْتِ خُوَيْلِدٍ زَوْجَةَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَقَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛^۱ بهشت، به دیدار چهار بانو اشتیاق دارد: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم که در بهشت به همسری پیامبر مفتخر خواهد شد، و خدیجه دختر خویلد ... که در دنیا و آخرت همسر و همنشین پیامبر است، و فاطمه دختر پیامبر.» در حدیثی نیز رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «تو افتخار همسری بانویی همانند فاطمه را داری؛ درحالی که من همسری همانند او ندارم و تو مادرزنی بسان خدیجه داری که من چنین مادرزنی ندارم.»^۲

عایشه گفته است: پیامبر، نه تنها به یاد و نام خدیجه و فداکاری‌های او بها می‌داد، بلکه به احترام او، به هرکس و هرچیزی که یاد خدیجه را به همراه داشت، احترام می‌گذاشت. روزی، بانویی سالخورده به خانه آمد. پیامبر با او بسیار مهربانی کرد. پس از رفتن پیرزن، گفتم: درست است که خُلق و خوی شما مهربانانه است و به همه انسان‌ها، به‌ویژه محرومان احترام می‌گذاری، اما بهایی که امروز به این پیرزن دادی، ویژه بود؛ مگر او که بود؟ پیامبر فرمود: «إِنَّهَا كَانَتْ تَأْتِينَا فِي زَمَنِ خَدِيجَةَ وَإِنْ حُسْنَ الْعَهْدِ مِنَ الْإِيمَانِ؛^۳ این زن، در زمان خدیجه به خانه ما می‌آمد و از دیدگاه من، پاس داشتن سابقه دوستی‌های دیرین، بخشی از ایمان است.»

ایثار اموال

مورخان گفته‌اند: خدیجه، اموال بسیاری داشت. چهارصد غلام و کنیز کارگزار او بودند. بر بام خانه بزرگ او، خیمه‌ای زیبا و بزرگ از حریر سبز برافراشته بود تا درماندگان، خانه او را بشناسند و برای کمک گرفتن به آنجا بیایند.^۴

۱. همان، ص ۵۳.

۲. همان، ج ۴۰، ص ۶۸.

۳. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، ص ۱۰۸.

۴. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۲.

مجلس دهم: حضرت خدیجه علیها السلام از منظر رسول اعظم صلی الله علیه و آله ■ ۱۳۷

خدیجه با وجود این ثروت انبوه، پس از ازدواج با پیامبر، به خانه عمویش ورقه بن نوفل رفت و به او گفت: اکنون نزد محمد برو و بگو همه غلامان و کنیزانم را به او بخشیده‌ام. اموال فراوانی هم به ورقه داد و گفت: اینها را نیز به محمد بده و بگو هرگونه می‌خواهی تصرف کن. ورقه کنار کعبه آمد و با حضور مردم در کنار چاه زمزم ایستاد و گفت: ای مردم! خدیجه شما را شاهد می‌گیرد که خود، مهریه، غلامان، کنیزان و همه ثروتش را به محمد بخشیده و همه آنها، هدیه‌ای است که محمد پذیرفته است. این کار خدیجه به دلیل محبت و احترام او به محمد است. همه شما گواه باشید.^۱

یاری پیامبر با اموال خدیجه، به این فقره ختم نشد؛ بلکه تا آخر عمر حضرت خدیجه مستمر بود و به‌ویژه در سال‌های سخت محاصره اقتصادی مسلمانان در شعب ابوطالب، ثروت خدیجه مسلمانان را از نابودی نجات داد؛ تا جایی که پیامبر در ماجرای شعب فرمود: «هیچ ثروتی، همانند ثروت خدیجه به من سود نرساند».^۲

در ماجرای شعب، از اموال خدیجه جز دو پوست که یکی را زیرانداز و دیگری را روانداز می‌کردند، چیزی باقی نماند.

الگوی بانوان

در روزگار ما که همه ارزش‌های انسانی و اخلاقی رنگ باخته است، باید برای زنان مسلمان الگویی ارائه شود. در اسلام، الگوهای نمونه کم نیستند. این نکته را نیز بیفزاییم که قرآن برخلاف تصور برخی افراد که فقط مردان را الگوی جامعه می‌دانند، در کنار ارائه الگوهایی از مردان، نمونه‌هایی از زنان وارسته را نیز معرفی می‌کند: «و برای مؤمنان هم مثالی زده است؛ همسر فرعون را که گفت: پروردگارا! برای من در بهشت نزد خود خانه‌ای بساز و مرا از فرعون و کار زشتش رهایی بخش و از این مردم ستمگر رهایی‌ام ده. و نیز مریم دختر عمران را مثل زده است که دامن خویش را پاک نگه داشت...».^۳

۱. همان، ص ۷۵ - ۷۷.

۲. همان، ج ۱۹، ص ۲۳.

۳. تحریم، آیه ۱۱ - ۱۲.

از مباحث پیش‌گفته می‌توان استفاده نمود که خدیجه، در عرصه شوهرداری، خدمت به اسلام، عفت و پاکدامنی، بهترین الگو برای همه زنان است. از همین روست که پیامبر وی را به عنوان الگو معرفی نموده است: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى اخْتَارَ مِنَ النِّسَاءِ أَرْبَعًا: مَرْيَمَ وَأَسِيَةَ وَخَدِيجَةَ وَفَاطِمَةَ؛^۱ همانا خدای متعال از میان همه زنان، چهار زن ممتاز را برگزید: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه.»

ذکر مصیبت

سرانجام، روز دهم ماه مبارک رمضان سال دهم بعثت فرا رسید. حضرت خدیجه علیها السلام بر اثر صدمات و آزارهای جسمی و روحی فراوانی که در شعب ابوطالب دیده بود، بیمار شد. این بانوی بزرگ، در ۶۵ سالگی چشم از جهان فرو بست و در قبرستان شهر مکه که نامش «حُجُون» بود، به خاک سپرده شد.

خدیجه در خانه پیامبر خدمات فراوانی انجام داد و زحمات بسیاری کشید. از این‌رو، طبیعی بود که بتواند پیش از مرگ خود، خواسته‌ای از پیامبر داشته باشد؛ اما او هیچ‌گاه خواسته‌ای شخصی، آن هم به صورت مستقیم، از پیامبر نداشت. فقط در روز رحلت، خواسته کوچکی به وسیله دخترش فاطمه علیها السلام کرد. ابتدا به پیامبر عرض نمود: «ای رسول خدا! اگر کوتاهی کرده‌ام، مرا عفو کن!» پیامبر فرمود: «هرگز از تو تقصیری مشاهده نکرده‌ام.»

خدیجه گفت: «حاجتی دیگر دارم؛ می‌خواهم خواسته‌ام را دخترم فاطمه به شما بگوید؛ زیرا شرم دارم آن را بازگو کنم. پیامبر از جای برخاست و از اتاق بیرون رفت.»

خدیجه وقتی با دخترش تنها ماند، به فاطمه گفت: «يَا حَبِيبَتِي وَيَا قُرَّةَ عَيْنِي! قَوْلِي لِأَبِيكَ إِنَّ أُمَّيْ تَقُولُ: أَنَا خَائِفَةٌ مِنَ الْقَبْرِ أُرِيدُ مِنْكَ رَدَائِكَ الَّذِي تَلْبِسُهُ حِينَ نَزُولِ الْوَحْيِ تُكْفِنُنِي فِيهِ؛ ای محبوب و نور دیده مادر! به پدرت بگو که مادرم می‌گوید: من، از خانه قبر بیمناکم. از شما تقاضا دارم که یکی از جامه‌های خویش که هنگام نزول وحی به تن داشته‌اید، به من هدیه کنید تا با آن کفن شوم.» فاطمه، درخواست مادر را به پیامبر گفت. پیامبر لباس خود را به فاطمه داد تا به مادرش بدهد.

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۹.

مجلس دهم: حضرت خدیجه علیها السلام از منظر رسول اعظم صلی الله علیه و آله ■ ۱۳۹

در این هنگام، جبرئیل نازل شد و گفت: «یا محمد! إِنَّ كَفْنَ خَدِيجَةَ مِنْ عِنْدِنَا فَاتَّهَاهَا بَدَلْتُ مَا لَهَا فِي سَبِيلِنَا فَجَاءَ جِبْرِئِيلُ بِكَفْنٍ وَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا كَفْنُ خَدِيجَةَ وَهُوَ مِنْ أَكْفَانِ الْجَنَّةِ أَهْدَى اللَّهُ إِلَيْهَا...»^۱ ای محمد! همانا کفن خدیجه، از سوی ماست؛ زیرا او مالش را در راه ما صرف کرد. پس، جبرئیل کفنی آورد و گفت: ای رسول خدا! این، کفن خدیجه است و این کفن، از کفن‌های بهشتی است که خداوند آن را به خدیجه هدیه داده است...»

کفن حضرت خدیجه علیها السلام از بهشت نازل شد؛ اما در کربلا برای جسم پاره‌پاره و مطهر سیدالشهدا و فرزند دل‌بند حضرت خدیجه علیها السلام کفنی وجود نداشت. امام سجاد علیه السلام به مردان بنی‌اسد فرمود: برای من حصیری بیاورید. سپس جسم مطهر اباعبدالله علیه السلام را در قطعه حصیری نهاد و به خاک سپرد.^۲

بهبشت را مبر از خانه ناگهان بانو	برای بی‌کسی فاطمه بمان بانو
به جان دختر مظلومه‌ات مرو از دست	مساز اشک یتیمانه را روان بانو
بمان و فاطمه را خود عروس کن، آری	که دختران همه، محتاج مادرند بانو
برای غربت من جان‌به‌لب شدی اما	بدان که غربت زهراست بعد از آن بانو
نمانده هیچ برایت که یک کفن بخری	عبای ختم رسل بر تو ارمغان بانو

۱. ذبیح‌الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۴۱۲.

۲. شیخ عباس قمی، کلیات منتهی الآمال، ج ۱، ص ۶۵۳.